

www.ketab.ir

تکرار یک تنهایی

جستارهایی از حیات سیدمرتضی آوینی

به کوشش: محمدعلی صمدی

تکرار یک تنهایی

جستارهایی از حیات سیدمرتضی آوینی

به کوشش : محمدعلی صمدی

طبع اول و صفحه آرای : علی اصغر بهمن‌نیا

مکان : تهران : یا زهر (سلام‌الله‌علیها)

موضوع : سیدمرتضی آوینی یا زهر (سلام‌الله‌علیها)

نوع : کتب و مجله : احسان رجیبی

تعداد : ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول و دوم : ۱۳۹۲

لیترورافی : موج

قیمت : ۵۰۰۰ ریال

سرشناسه : صمدی، محمدعلی

عنوان و نام پدیدآور : تکرار تنهایی: جستارهایی از حیات سیدمرتضی آوینی / به کوشش محمدعلی صمدی

مشخصات نشر : تهران : نشر یا زهر (اس)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص: مصور (رنگی).

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۷۲-۵۴-۶

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا

موضوع : آوینی، سیدمرتضی، ۱۳۲۶ - ۱۳۷۲.

موضوع : آوینی، مرتضی، ۱۳۲۶ - ۱۳۷۲. - دوستان و

آشنایان - خاطرات

موضوع : شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات

رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۱۸ ص ۱۶۲۶ / ۸ DSR

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۰۳۵۵۶

فهرست

۷	مقدمه
۹	به روایت آوینی
۱۱	قبل و بعد از انقلابش کاملاً متفاوت است
۱۷	من از یک راه طی شده حرف می‌زنم
۱۹	«کامران» یک معجزه‌ی تمام عیار است
۲۵	سعی کردم که خودم را از میان بردارم
۲۹	به اتفاق ته‌دبیر خوش آمدید
۳۳	خسته نباشی پهلوان
۳۹	عشق خمینی مرا شیفته‌ی خود ساخته
۴۳	چه‌طور در حضور ایشان این کار را بکنم؟
۴۵	نمی‌خواهم هم‌رنگ دیگران شوم
۴۹	اثری که مردم ایران را دیوانه کرد
۵۱	آوینی خیلی غریب بود
۵۵	می‌گویم «اسرار الصلوة» را بخوانید
۶۱	دل‌م می‌خواست زیر صندلی پنهان شوم
۶۳	در حق من پارتی بازی شده
۶۵	سوره را نگه می‌دارم
۶۹	می‌خواستند دادگاهی‌اش کنند
۷۵	از همه چیز ذله شده بود
۸۱	رفیق حقیقی نداشت

- ۸۷ مرتضی دردهای بزرگی هم داشت
- ۹۱ فشارهای مختلف، مرتضی را از پای درآورد
- ۹۷ دنیا به شدت به مرتضی سخت می گذشت
- ۱۰۳ شخصیتش حسد برانگیز بود
- ۱۰۹ کاش بیشتر از مرتضی یاد می گرفتم
- ۱۱۵ می گردیم تا قتلگاه را پیدا کنیم
- ۱۲۰ سر ما و فرمان شدا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

با عرض ادب و سلام به محضر ۱۴ شهسوار آفرینش و شهدا و صلحا. در ابتدای این کتابت، از سر خاکساری همه اساتید و سرورانی که ارادت به مرتضی آوینی را از آنان دارم، ذکر چند مهم را بر خود فرض دانستم؛

نخست آن که، مجلد پیش رو، ادعایی ندارد که کتابی است اندر روایت حیات پر برکت «سیدمرتضی آوینی» که نگارنده نه شرف زیارت آن سیمای نورانی را داشته است. نه سعادت داشتن حداقل معرفتی که درک احوالات اولیاء و اصفیا را میسر گرداند. این تصاویر و خطوط را تنها به نیت روضه خوانی سیاه کرده ام و بس. روضه‌ای که شاهدان و حاضران در متن مصیبت، آن را روایت می‌کنند و بدیهی است که هر یک به ظن خود.

باور دارم که نفس زدن «سیدمرتضی آوینی» پس از سالیان جهاد و دفاع (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲)، در میان جماعتی که با سرعت نور از ساحه او دور می‌شدند، مصیبتی بود برای آن وجود قدسی، که مردانه تابش آورد و بر پای ماند، تا انفجاری مقدر، از پایش انداخت و به مزد صبر بر غربت و تنهایی، پر پروازش داد. آن چه پیش چشمان خواننده است، ذکر مصیبتی است بر عزیزی که در زمان سال‌های پایانی حیاتش، شاید جز به شماره‌ی انگشتان یک دست، هم‌زبان و هم‌نفسی نداشت و تنها غم داغ خورش بود که در زمره‌ی، نام‌آورانش درآورد که به مصاحبتش تقرب جوید و به نامش تشرف. بی‌پیرایه و جلوه‌فروشی، این حقیر قصد داشتم مقلد محمل بنگارم، برای آن سید جلیل‌القدر که نم اشکی بر دیدگان علاقه‌مندان بیاورد و اگر نهایت کار، آن نشده باشد که می‌خواستم، عذر تقصیر دارم، بضاعتی بیش از این نداشتم.

دوم آن که، تمامی آن چه در این مجلد گرد آمده، مستند به مصاحبه و هم‌کلامی با مجاوران و آشنایان سیدمرتضی آوینی است که در اندکی از

آنان، شخصاً حاضر بوده و در باقی نقشی نداشته‌ام و تنها از منابعی دیگر، گزیده کرده یا تلخیص نموده‌ام و بدیهی است چون قصد زندگی‌نگاری و سرگذشت‌نویسی نبوده، در گزینش مطالب، با عنایت به آن چه در ابتدای این مقدمه آمد، تنها بریده‌هایی را منظور نظر داشته‌ام که یادآور تنگناها و غربت ایشان باشد و آن چه از سالیان جنگ و جوانی آن شریف آورده شده، با منظور ادراک بهتر و ژرف‌تر از احوالات او در آن روزگاران است.

سوم آن که، در مسیر گردآوری و تنظیم این مجلد، هیچ نهاد و ارگان و سازمان و تنظیمی (خصوصاً به جهت تهیه‌ی تصاویر)، مشارکت و معاونتی ننمود. در مواردی کم‌لطفی و بخل مدعیان و متولیان هم شامل حال مان شد که در این سرزمین رویه‌ای مرسوم و متعارف است و جای گلایه‌گذاری ندارد.

و ختم کلام آن‌که:

کاش می‌دیدم آن نگارِ سرمست را بی آن که آزارش دهم، بی آن که بفرسایمش، بی آن که بسوزانمش و بی آن که زخمی بر زخم‌هایش اضافه کنم. کاش می‌دیدمش. حسرت‌گدازِ این حکمِ تقدیرم.

سید! ای آن که بر بساطِ "عند ربهم یرزقون" بنیسته‌ای دستی برآر و ما قبرستان‌نشینان عاداتِ سخیف انسانی را از این مجلات بیرون کش.

والسلام

فروردین ۱۳۹۲

محمدعلی صدقی

بیستمین سال گشت شهادت سیدمرتضی آوینی